

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۴

## امام مهدی علیه السلام از دیدگاه سنّیان دوازده‌امامی

سیدمرتضی عادل<sup>۱</sup>

قاسم جوادی<sup>۲</sup>

### چکیده

سنی‌گری دوازده‌امامی، از جمله جریان‌های فکری معتدل اسلامی به شمار می‌رود که همه امامان دوازده‌گانه شیعه علیهم السلام را به عنوان امام خویش پذیرفته‌اند. دیدگاه این جریان درباره مسئله مهدویت امام دوازدهم و موعود آخرالزمان بودن ایشان، امری است که شاید در نگاه نخست پذیرفته تلقی شود؛ اما واقعیت آن است که سنّیان دوازده‌امامی بر سر آن اتفاق نداشته و قائل به دو دیدگاه متفاوت شده‌اند.

نوشتار حاضر درصدد است در کاوشی نو، با بررسی توصیفی - تحلیلی دیدگاه‌های سنّیان دوازده‌امامی برجسته، دیدگاه‌های آنان را درباره حضرت حجت بن الحسن علیه السلام و مهدویت ایشان تبیین کند. بررسی این مسئله، افزون بر یاری رساندن به شناخت جایگاه امام مهدی علیه السلام در میان جریان‌های اعتدالی در جهان اسلام با ماهیتی سنی، دروازه‌ای جدید به روی طرفداران تقریب میان مذاهب اسلامی و نزدیکی میان اهل سنت و تشیع خواهد گشود. کاوش در اندیشه‌های مهدوی سنّیان دوازده‌امامی، نشان از آن دارد که

۱. دانش‌پژوه دکتری جریان‌های کلامی معاصر جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه (نویسنده مسئول)

(mortazaadeli@yahoo.com)

۲. استادیار جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه.

همگی امامت ایشان را می‌پذیرند، اما در تطبیق موعود آخرالزمان بر حضرت، میان آنان دودستگی وجود دارد. گفتنی است موعود ندانستن امام دوازدهم شیعیان از سوی برخی از سنیان دوازده‌امامی، از نیکویی، احترام و عظمت ایشان نزد آنان نکاسته است.

#### واژگان کلیدی

امام مهدی عج، مهدویت، موعود آخرالزمان، سنیان دوازده‌امامی.

#### مقدمه

در طول تاریخ اسلام، بسیاری از مسلمانان سنی‌مذهب محبت فراوانی نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام و امامان دوازده‌گانه شیعه ابراز داشته‌اند، اما قائل به امامت ایشان نبوده‌اند. در این میان، جریانی اعتدالی با ماهیت سنی وجود دارد که نه تنها امامان دوازده‌گانه علیهم‌السلام را با همان عنوان امام خطاب می‌کند، بلکه گونه‌ای از امامت نیز برای آنان قائل بوده، در عین حال به خلفای سه‌گانه نیز معترف است. از این رو، می‌توان آن را «سنی‌گری دوازده‌امامی» نامید. عده‌ای به سبب این رویکرد نسبت به امامان شیعه علیهم‌السلام، برخی از افراد جریان مذکور را متهم به تشیع نموده‌اند که گویا این امر ناشی از ناتوانی در هضم این تضاد اندیشه‌ای - به زعم خودشان - در تفکرات این گروه از سنیان بوده است. این جریان منحصر در گروه خاصی از اهل سنت نیست و در مذاهب مختلف آن سرپا دارد و شخصیت‌های برجسته قابل‌اعتنایی چنین اندیشه‌ای دارند. اندیشه یادشده جدای از یاری‌رساندن به شناخت جایگاه دوازده امام علیهم‌السلام نزد اهل سنت، در عمل می‌تواند تا اندازه‌ای موجب نزدیکی فکری و عملی میان مسلمانان سنی و شیعه گردیده و از باورهای نادرست و افراط‌گونه طرفین در شناخت طرف مقابل بکاهد.

از مهم‌ترین گزاره‌های اعتقادی مسلمانان، باور به اندیشه مهدویت است که به گونه‌ای کلی در سنت اسلامی ثابت شده و تواتر دارد، اما گروه‌های مختلف به ویژه اهالی تشیع و تسنن در برخی مباحث به سان تعیین مصداق، زمان ظهور، ولادت یا عدم ولادت مهدی موعود و ... دچار اختلاف شده‌اند. در میان سنیان دوازده‌امامی نیز هرچند یکی از اندیشه‌ها و ویژگی‌های مشترکشان اعتقاد به امامت حضرت حجت بن الحسن علیهم‌السلام، امام دوازدهم شیعیان است، اما این اعتقاد سبب نشده است همه آنان حضرت را همان مهدی موعود و منجی آخرالزمان به شمار آورده و در این باره اتفاق نظر داشته باشند. از این رو، نوشتار پیش‌رو در نگاهی توصیفی -

تحلیلی درصدد آن است که نخست بداند دیدگاه سنیان دوازده امامی درباره حضرت حجت بن الحسن علیه السلام چیست و در وهله دیگر رابطه ایشان با مهدی موعود و منجی آخرالزمان چگونه است؟ به عبارت دیگر، آیا دوازدهمین امام اهل بیت علیهم السلام را همان مهدی موعود می‌دانند یا خیر؟ برای ورود به بحث، در ابتدا مفهوم سنی‌گری دوازده امامی تبیین شده و سپس به گونه‌ای کلی مبحث مهدویت در میان اهل سنت مطرح گردیده و در ادامه مسئله یادشده در میان سنیان دوازده امامی بررسی خواهد شد.

### مفهوم سنی‌گری دوازده امامی

از آن جایی که مفهوم سنی دوازده امامی مفهوم تازه‌ای در ادبیات مذاهب اسلامی به شمار می‌رود، پیش از آن که دیدگاه آن‌ها درباره مهدی موعود مورد تبیین و بررسی قرار گیرد، باید تعریفی از سنیان دوازده امامی ارائه گردد تا تصور روشنی از این جریان در ذهن ایجاد شود. تسنن اثنی عشری یا همان سنی‌گری دوازده امامی، مفهومی است که گویا نخستین بار ملا محمد طاهر قمی (م ۱۰۹۸ق) - که مواضعی ضد صوفیانه دارد - در کاربردی طعنه آمیز درباره سران متشیع صوفیه آن را به کار برده است (جعفریان، ۱۳۸۷: ۶۶). این مفهوم در سال‌های اخیر نیز توسط برخی تاریخ‌نویسان معاصر استفاده شده است. نویسنده تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم - که بحث از سنیان دوازده امامی را در صفحاتی چند از اثر خود جای داده - در آن جا و نیز دیگر آثار خود تعریف مشخصی از این افراد ارائه نداده است. اما از نگاشته او برمی‌آید که وی کسانی را براننده چنین عنوانی می‌داند که در عین سنی بودن، گرایش شدید به اهل بیت علیهم السلام به ویژه دوازده امام علیهم السلام داشته باشند (نک: جعفریان، ۱۳۷۵: ج ۲، ۷۲۸-۷۳۲). اما نگارنده در دایره‌ای تنگ‌تر، «سنی دوازده امامی» را بر کسی اطلاق می‌کند که هم‌زمان با اعتقاد به خلفای سه‌گانه اهل سنت و ماهیت سنی‌گری، با خطاب نمودن تمام امامان دوازده‌گانه شیعه علیهم السلام به عنوان امام، معتقد به گونه‌ای از امامت و گاهی عصمت برای آنان باشد.

### مهدویت از نگاه اهل سنت

برای ورود به بحث مهدویت از دیدگاه سنیان دوازده امامی، ناگزیر باید به دیدگاه عامه سنیان نیز اشاره کرد. نگاه یادشده بیشتر برگرفته از مجامع حدیثی اهل سنت است که روایات فراوانی در مسائل مختلف مهدویت در بردارد. آنچه از مجموع احادیث مهدی در میان آثار حدیثی سنیان که بسیاری از آن‌ها در زمره احادیث صحیح و حسن به شمار می‌روند، برداشت

می‌شود، اعتقاد ایشان به ظهور فردی از اهل بیت رسول خدا ﷺ در آخرالزمان است که پس از فراگیری ظلم در جهان، منادی عدالت بوده و قطعاً روزی ظهور خواهد کرد (برای نمونه نک: سجستانی، بی‌تا: ج ۴، ۱۷۴؛ ابن حبان، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ۲۳۸؛ ابن حنبل، بی‌تا: ج ۳: ۱۷؛ طبرانی، ۱۴۰۴: ج ۱۰، ۱۳۳-۱۳۶).

برخی چنین اشکال کرده‌اند که چرا روایات مهدی در صحیحین نیامده است؟ در پاسخ باید گفت که به اذعان بسیاری از بزرگان اهل سنت، احادیث معتبر تنها در این دو کتاب نبوده و هر آن چه در دیگر مجامع روایی نقل گردیده، ضعف ندارد، بلکه روایات صحیح و معتبر فراوانی در دیگر کتاب‌های روایی سنن مانند دیگر کتب از صحاح شش گانه، مسانیدی چون *مسند ابن حنبل*، کتاب‌های صحیح افرادی چون ابن حبان و ... یافت می‌شود. از سوی دیگر، حاکم نیشابوری روایات فراوانی که بر مبنای بخاری و مسلم صحیح هستند را در *المستدرک علی الصحیحین* جای داده که آن دو بدان اشاره نکرده‌اند. بنابراین، عدم نقل در صحیحین دلیل بر عدم صحت روایت نزد اهل سنت نیست. شهرت روایات مهدی در میان اهل سنت تا جایی است که شارح *سنن ترمذی* بدان اعتراف داشته و درباره آن اظهار می‌دارد:

اعلم أن المشهور بين الكافة من أهل الإسلام على ممر الأعمار أنه لا بد في آخر الزمان من ظهور رجل من أهل البيت يؤيد الدين ويظهر العدل ... ويسمى بالمهدي ... و خرج أحاديث المهدي جماعة من الأئمة منهم أبو داود والترمذی وبن ماجه والبزار والحاکم الطبرانی وأبو يعلى الموصلى وأسندها إلى جماعة من الصحابة. (مبارکفوری، بی‌تا: ج ۶، ۴۰۱)

با این توصیف، می‌توان گفت که اهل سنت به مسئله مهدویت اذعان داشته و آن را یکی از امور حتمی آخرالزمان می‌دانند. بدین ترتیب، اهل سنت در ظهور مهدی در آخرالزمان با شیعیان اتفاق دارند، اما مسئله این جاست که بیشتر آن‌ها قائل به مهدی نوعی بوده (برای نمونه نک: تفتازانی، ۱۴۰۹: ج ۵، ۳۱۲؛ ابن حجر، ۱۴۲۸: ۳۹)، ولی شیعیان مهدی شخصی را باور دارند (برای نمونه نک: شریف مرتضی، ۱۴۱۱: ۲۴؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۵۰). به عبارت دیگر، سنن به ویژه در دوران کنونی کمتر برای مهدی تعیین مصداق می‌نمایند، اما شیعیان مصداق مهدی را آخرین امام از امامان دوازده گانه خود می‌دانند. همچنین عدّه فراوانی از اهل سنت بر این عقیده‌اند که مهدی هنوز به دنیا نیامده و در آخرالزمان متولد خواهد شد (برای نمونه نک: تفتازانی، ۱۴۰۹: ج ۵، ۳۱۲؛ سمنانی، ۱۳۶۲: ۲۸۸؛ زرنندی، ۱۴۲۵: ۱۸۹؛ مبینی یزدی، ۱۳۷۹: ۶۵۲)، در حالی که شیعیان اعتقادشان بر این است که امام مهدی ﷺ فرزند امام حسن عسکری علیه السلام، امام یازدهم

شیعیان است که خداوند به ایشان طول عمر عنایت فرموده و ایشان اکنون در غیبت کبرای خود به سر می برد تا در زمان موعود ظهور نموده، جهان را پر از عدل و داد کند.

نکته دیگر آن که بزرگان اهل سنت گذشته از آثار غیر مستقل فراوان در ضمن کتاب های مختلف خود، آثاری مستقل را نیز به موضوع مهدی موعود اختصاص داده اند که از جمله آن ها می توان به *العرف الوردی فی اخبار المهدی*، اثر سیوطی (۹۱۱ق)، *القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر*، اثر ابن حجر مکی (۹۷۴ق)، *المشرب الوردی فی مذهب المهدی*، اثر ملا علی قاری (۱۰۱۴ق)، *فوائد الفکر فی ظهور المهدی المنتظر*، اثر ابن یوسف حنبلی (۱۰۳۳ق) و ... اشاره کرد.

### مهدویت از نگاه سنیان دوازده امامی

از جمله مباحثی که تمام سنیان دوازده امامی به تبع پذیرش امامت امامان اهل بیت علیهم السلام از آن سخن گفته اند، بحث از حضرت حجت بن الحسن به عنوان امام دوازدهم از امامان دوازده گانه علیهم السلام است. نگاه این طیف از اهل سنت با وجود اعتقاد به امامت ایشان، با یکدیگر هم سان نبوده و در جوهری از آن اختلاف دارند. به گونه کلی در مورد حضرت امام مهدی علیه السلام و مهدی آخر الزمان بودن حضرت، دو دیدگاه در میان سنیان دوازده امامی وجود دارد:

گروهی بر این باورند که مهدی معرفی شده در روایات اسلامی و موعود آخر الزمان همان حضرت حجت بن الحسن علیه السلام است؛

دسته دوم اعتقاد دارند، مهدی موعود شخص دیگری غیر از ایشان بوده، اما این امر از بزرگواری و عظمت مقام حضرت حجت علیه السلام نکاسته و باعث خروج حضرت از جرگه امامان دوازده گانه علیهم السلام نمی شود.

در ادامه به بررسی دیدگاه دو گروه یادشده درباره حضرت دوازدهمین امام شیعیان و پذیرش ایشان به عنوان موعود آخر الزمان پرداخته خواهد شد.

### گروه نخست

#### ۱. کمال الدین ابن طلحه شافعی (۶۵۲ق)

ابوسالم کمال الدین محمد بن طلحه نصیبی شافعی از بزرگان و فقهای اهل سنت شافعی مذهب در قرن هفتم و از نخستین کسانی به شمار می رود که تفکر سنی گری آمیخته با اعتقاد به دوازده امام علیهم السلام را نمایندگی می کنند. وی در آخرین فصل از کتاب *مطالب السؤل* با اعتقاد به جمع بودن تمامی صفات و دلالات مصلح آخر الزمان در امام دوازدهم، مهدی موعود را همان

فرزند امام حسن عسکری علیه السلام دانسته و برای اثبات این امر از بزرگان اهل سنت مانند ابوداود، ترمذی، مسلم، بخاری، ثعلبی و دیگران روایاتی نقل نموده و مجموع آن‌ها را صحیح و صریح در این امر می‌داند که مهدی از فرزندان فاطمه علیها السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله، از عترت و اهل بیت اوست و این نشانه‌ها تنها با اوصاف و مشخصات امام دوازدهم شیعیان مطابقت دارد (ابن طلحه، ۱۴۱۹: ۳۱۲-۳۱۴). کمال الدین در اثر دیگرش درباره آخرالزمان نیز مهدی را خلیفه‌ای الهی از نسل فاطمه علیها السلام معرفی می‌نماید که برای عدالت‌گستری در آخرالزمان خروج خواهد کرد (همو، ۱۴۲۵: ۷۳). ابن طلحه که حضرت حجت علیه السلام را ملقب به مهدی، حجت، خلف صالح و منتظر می‌داند (همو، ۱۴۱۹: ۳۱۱)، سؤال‌هایی نیز از جانب مخالفان مهدویت مطرح کرده و خود به یکایک شبهات آنان پاسخ می‌دهد. برای نمونه، در توجیه مدت طولانی عمر حضرت استدلال‌هایی کرده، و آن را لطف الهی و نشان از قدرت حق تعالی دانسته و امر بعیدی نمی‌شمارد؛ زیرا شامل افراد دیگری چون حضرت نوح، عیسی و خضر علیهم السلام هم گردیده است (همو: ۳۱۹-۳۲۰).

با این توصیف، نخستین شخص از گروه اول ابن طلحه شافعی است که تمام صفات مهدی و مصلح آخرالزمان را در امام دوازدهم شیعیان جمع می‌بیند و نوع باور او درباره حضرت نشان از پذیرش غیبت ایشان و اعتقاد به مهدی شخصی دارد.

## ۲. شرف الدین موصلی شافعی (۶۵۷ق)

شرف الدین عمر بن شجاع الدین محمد موصلی شافعی در کتاب خود در باب مناقب اهل بیت علیهم السلام، فصل‌های مستقلی را به هر یک از امامان دوازده‌گانه علیهم السلام می‌پردازد. وی به هنگام توصیف امامان به گونه‌ای می‌نگارد که تشخیص مذهب نویسنده از یک شیعه بسیار دشوار می‌نماید. فصل مربوط به نوشتار پیش‌رو چنین آغاز می‌گردد که این فصل درباره امام محمد منتظر فرزند امام حسن عسکری فرزند امام علی الهادی فرزند امام محمد الجواد فرزند امام موسی الکاظم فرزند امام جعفر الصادق فرزند امام محمد الباقر فرزند امام علی زین العابدین فرزند امام حسین الشهید فرزند امام علی بن ابی طالب علیه السلام است. او حضرت را امام دوازدهم دانسته و القاب ایشان را حجت، منتظر، قائم و مهدی خلف صالح شمار می‌کند. همچنین خاتم امامان را فردی امین، دارای مکتب از خاندان انبیاء و حجت اولیاء، امام مؤمنین و ادامه‌پاکیزگان که باوقارتر، پاکیزه‌تر، زیباتر و خوشبوتر از او دیده نشده است، معرفی می‌کند (موصلی، ۱۴۲۴: ۱۵۷-۱۵۹).

موصلی شافعی روایاتی در تأیید موعود بودن و مصداق مهدی از امامان معصوم علیهم السلام روایت کرده است. در یکی از این روایات، امام کاظم علیه السلام از غیبت مهدی سخن به میان آورده و به شخصی که می پرسد علامت او چیست، می فرماید: او پنجمین نفر از فرزندان امام هفتم علیه السلام است (همو: ۱۵۹-۱۶۰).

وی در جای دیگری اذعان می کند که خبر وفات ایشان به او نرسیده که می تواند نشان از اعتقاد به غیبت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام از سوی این عالم شافعی قرن هفتم داشته باشد (همو: ۱۶۳).

### ۳. ابراهیم بن محمد حموی جوینی شافعی (۷۳۰ق)

ابراهیم جوینی خراسانی در کتاب مشهورش *فرائد السمطين* در فضایل اهل بیت علیهم السلام، روایاتی مبنی بر حسینی بودن مهدی و دوازدهمین نفر بودن از امامان دوازده گانه علیهم السلام را نقل کرده است. وی نخست از ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله گزارش می کند که حضرت رسول، امام علی، امام حسن، امام حسین و نه فرزند امام حسین علیهم السلام پاک و معصوم اند:

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: أنا و علي و الحسن و الحسين و تسعة من ولد الحسين مطهرون معصومون. (حموی جوینی، ۱۳۹۸: ج ۲، ۳۱۳)

او دو روایت دیگر مبنی بر تعداد امامان و تعیین مصداق ایشان و مهدی آورده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در یکی از این روایات می فرماید:

إن خلفائي وأوصيائي و حجج الله على الخلق بعدى لاثني عشر، أولهم أخی و آخرهم ولدی.  
قیل: یا رسول الله و من أخوك؟ قال: علی بن أبي طالب. قیل: فن ولدك؟ قال: المهدي  
الذي يملؤها قسطا و عدلا كما ملئت جورا و ظلما. (همو: ۳۱۲)

حضرت در حدیث دومی که جوینی نقل کرده است نیز امامان پس از خود را دوازده نفر معرفی نموده و مصداقشان را مشخص فرموده و آخرین آن ها را مهدی می داند:

أنا سيد المرسلين و علي بن أبي طالب سيد الوصيين، و إن أوصيائي بعدى اثنا عشر أولهم  
علي بن أبي طالب، و آخرهم القائم. (همو: ۳۱۳)

جوینی در ادامه، سخن دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که بر طبق آن مهدی هم نام حضرت و از فرزندان امام حسین علیه السلام بوده و قبل از روز قیامت به طور قطعی ظهور خواهد کرد (همو: ۳۲۵-۳۲۶).

بنابراین، با توجه به عدم ورود اشکال از جانب او نسبت به روایات نقل شده، می‌توان او را هم از گروه نخست دانست که مهدی را همان امام دوازدهم از امامان دوازده‌گانه اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانند.

#### ۴. علی بن محمد بن صباغ مالکی مکی (۸۵۵ق)

ابن صباغ مالکی، سنی دوازده‌امامی دیگری است که گویا به مهدی شخصی باور داشته و آن را حضرت حجت بن الحسن علیه‌السلام می‌داند (ابن صباغ، ۱۴۰۹: ۲۸۳). او در ابتدا زندگانی حضرت را به نقل از شیخ مفید رحمه‌الله گزارش نموده و سپس روایاتی را از کتاب‌های معتبر اهل سنت درباره مهدی موعود بیان می‌کند که با نگاهی به نوع روایاتی که می‌آورد، به طور ضمنی می‌توان چنین گمانه‌زنی کرد که وی مهدی آخرالزمان را فاطمی و حسینی دانسته و منتظر را امام دوازدهم شیعیان می‌شمارد. تنها سخن صریح او در این باره، مهدی موعود بودن ایشان بنا به قول برخی از اهل اثر است (همو: ۲۹۳).

نکته دیگر این که از روایات منقوله از سوی ابن صباغ و دیگر سخنانش نمی‌توان عقیده به غیبت یا رجعت را درباره حضرت فهمید. به هر روی، این عالم مالکی مذهب از آن دسته سنیان دوازده‌امامی است که مهدی موعود را بر دوازدهمین امام شیعه تطبیق می‌کنند.

#### ۵. کمال الدین حسین واعظ کاشفی حنفی (۹۱۰ق)

ملا حسین واعظ کاشفی در کتاب معروف خویش یعنی *روضه الشهداء*، امام مهدی علیه‌السلام را امام دوازدهم و لقب ایشان را مهدی، قائم و منتظر می‌داند (واعظ کاشفی، ۱۳۸۲: ۵۱۹). او درباره موعود آخرالزمان بودن ایشان نیز روایتی از امام حسن عسکری علیه‌السلام نقل می‌کند که حضرت در آن جانشین خود را فرزند سه‌ساله‌شان که هم‌نام و هم‌کنیه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود، معرفی نموده و او را دادگستر جهان پس از پرشدن از ظلم و جور می‌داند (همو: ۵۲۰). با نقل این روایت از کاشفی شاید بتوان او را در گروه اول جای داد، اما نمی‌توان نظری در این باب را به صراحت دریافت.

#### ۶. فضل بن روزبهان خنجی حنفی (۹۲۷ق)

فضل بن روزبهان خنجی از کسانی است که بسیاری او را از مشهورترین متعصبان اهل سنت ضد شیعیان به شمار می‌آورند. اما وی به رغم داشتن رویکردی صفوی‌ستیز و متعصبانه با شیعه، احترام و ارادت فراوانی نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام قائل بوده و در شأن آن‌ها کتابی به نام *وسيلة الخادم إلى المخدوم* در شرح صلوات بر چهارده معصوم علیهم‌السلام دارد. ابن روزبهان مقدمه اثر



خود قبل از آغاز صلوات به زبان عربی، بر هر یک از چهارده معصوم علیهم السلام تا امام مهدی علیه السلام درود فرستاده و ارادتش را اثبات می‌نماید:

و صلوات نامیات بر سید کائنات محمد مصطفی که نور ظلمت سوز او چراغ عالم وجود وجود قدسی نمود او اصل هستی هر موجود است؛ و بر آل بزرگوار و عترت نامدارش ... و بر محمد مهدی موعود منتظر که امام جهان و امان آخر الزمان است. صلوات الله و سلامه و تحياته و برکاته علیهم اجمعین. (خنجی، ۱۳۷۵: ۵۵-۵۶)

این عالم حنفی قرن دهم باورهای مذاهب مختلف را دربارهٔ مصداق مهدی در میان مسلمانان نقل کرده، سپس به بیان صحت و سقم آنان می‌پردازد. وی در جواب منکران داشتن عمر طولانی برای یک فرد، چنین پاسخ می‌دهد که از نظر عقلی بنا به نظر طبیبان می‌توان چنین عمری داشت. از نگاه شرعی نیز کسانی چون خضر و الیاس نبی بوده‌اند که بیشتر متشرعین آن دو را زنده می‌دانند (همو: ۲۷۶-۲۷۷).

خنجی در جواب دیدگاه افرادی که می‌گویند اگر حضرت امامی غایب باشد، چگونه الطافش شامل حال مردم می‌شود هم خاطر نشان می‌کند که آثار او در موارد بسیاری به مردم می‌رسد و به هنگام یاری به دوستان خود بر آن‌ها ظاهر می‌گردد. وی نمونه‌ای نیز برای این ملاقات‌ها ذکر می‌کند که جریان دیدار اسماعیل هرقلی با امام زمان علیه السلام و شفایافتن او شاهد آن است (همو: ۲۹۰-۲۹۴).

وی در بخش دیگری از اثرش دیدگاه خود دربارهٔ مهدی آخر الزمان را تنقیح کرده و در آخر از باب احتیاط نظر امامیه پذیرفته و می‌نویسد:

و مختار ما آن است که وجود مهدی در آخر زمان واجب است که بر آن حکم کنند بنا بر احادیث صحیحی که یاد کردیم و واجب است که حکم کنند که از اولاد فاطمه علیها السلام است و نام او محمد است، اکنون این صفات تمامی در محمد است. اکنون این صفات تمامی در محمد بن الحسن جمع است طایفه‌ای عظیم از مؤمنان بر آن رفته‌اند که او محمد بن الحسن است، آثار و حکایات و اخبار بسیار را روایت می‌کند تا به غایتی که به حد استفاضه و تواتر رسیده است و حکم کردن بدان که مهدی موعود محمد بن الحسن است با هیچ قاعده‌ای از قواعد اسلام منافات ندارد و در هیچ حکم از احکام شریعت قدحی و خلعی پیدا نمی‌کند؛ بلکه اولی و انطباق آن است که او باشد؛ زیرا عدد دوازده امام که در حدیث بدان اشارت واقع شده به وجود محمد بن الحسن تمام می‌شود و آن مهدی موعود که در حدیث بدان واقع شده که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و عالم از عدل مالمال خواهد ساخت اگر محمد بن الحسن باشد نسب او از همه شریف‌تر باشد و نظم دوازده امام بوجود مهدی موعود مکمل شده باشد و اثر امامت و خلافت هم در این مسلک کمال یافته باشد و

عالم از عدل او تازه گردد و فایده آن حضرت پیغمبر ﷺ دوازده امام را همچون دوازده نقیب بنی اسرائیل خواهد بر آن تقدیر ظاهر شود. پس به حسب احتیاط در آن امر موافقت با امامیه می‌کنیم و می‌گوییم مهدی موعود محمد بن الحسن است و او قائم و منتظر است و چون وعده او برسد ظهور خواهد کرد و عالم را از عدل و احسان مالمال خواهد ساخت و جور و طغیان را از جهان دور خواهد گردانید و حالا آثار لطف او به خاصان می‌رسد ... به هر تقدیر احتیاط آن است که اختیار کنیم و اعتقاد نماییم که مهدی موعود در آخر زمان حضرت امام معصوم ابو القاسم محمد المهدی ابن الامام ابی محمد الحسن العسکری است صلوات الله علیه. (همو: ۲۷۸-۲۷۹)

با عنایت به صلوات نخست او بر امام دوازدهم و نیز عبارات او در بخش مربوط به امام دوازدهم اهل بیت علیهم‌السلام روشن می‌شود که خنجی ایشان را همان موعود آخرالزمان می‌داند. بدین ترتیب، باید وی را در زمره گروه نخست به حساب آورد.

#### ۷. محیی‌الدین لاری حنفی (۹۵۱ق)

محیی‌الدین لاری که در اثر منظوم خود *فتوح الحرمین*، اشعاری در باب خلفا و نیز امامان دوازده گانه علیهم‌السلام دارد، از باورش به مهدی موعود بودن فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام خبر داده، ایشان را دادگستر جهان پس از ظلم و جور معرفی می‌کند:

باز چه گویم چو گلی زو <sup>۱</sup> دمید	آه چه گل، گلشنی آمد پدید
نکبت او برده ز دل‌ها گمان	پر شد ازو دامن آخر زمان
رشته که از حق به نبی بسته شد	باز به آن سلسله پیوسته شد
نقطه اول چو به آخر رسید	کار بدایت به نهایت کشید
هادی دین مهدی آخر زمان	خلق جهان یافته از وی امان
گفت نبی کز پی ظلم و فساد	وی زمین پر کند از عدل و داد
قاتل دجال به شمشیر کین	با دم عیسی، نفس او قرین

(لاری، ۱۳۷۳: ۳۲)

#### ۸. محمد بن طولون دمشقی حنفی (۹۵۳ق)

شمس‌الدین محمد بن طولون دمشقی نیز هر چند سخن تفصیلی درباره حضرت مهدی علیه‌السلام

۱. مقصود وی امام حسن عسکری علیه‌السلام است که در بیت قبلی به ایشان اشاره می‌کند. این ابیات بخشی از سروده لاری درباره دوازده امام علیهم‌السلام است.

را به یکی از کتاب‌هایش یعنی *المهدی‌الی ما ورد فی المهدی* که گویا اکنون اثری از آن در دست نیست، حواله داده، اما در اثر دیگرش در سروده‌ای درباره امامان دوازده‌گانه علیهم‌السلام، مهدی موعود را همان فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌داند که در آینده ظهور خواهد نمود:

و العسکری الحسن المطهر محمد المهدی سوف یظهر

(ابن طولون، بی تا: ۱۱۸)

بنابراین، اگرچه محمد بن طولون دمشقی سخن از مهدی موعود را تفصیل نبخشیده، اما روشن است که او هم به مهدی شخصی اعتقاد داشته و در شمار نخستین گروه قرار می‌گیرد.

#### ۹. عایشه درانی بارکزاهی حنفی (۱۲۳۵ق)

از میان سنیان دوازده‌امامی دیگر باید به عایشه درانی، شاعره افغانی قرن سیزدهم و از صوفیان قادری مذهب اشاره نمود که در یکی از اشعار خود به غیبت امام عصر علیه‌السلام اشاره کرده و حضرت را پنهان در زیر نقاب می‌داند:

امام دوازدهم آن که نام او مهدی است چو مهر و ماه به زیر نقاب پنهان است

(درانی، ۱۳۸۶: ۷۳)

از شعر او چنین برداشت می‌شود که وی به سان شیعیان امامی به غیبت امام مهدی علیه‌السلام باور داشته است. از این رو، می‌توان به گونه‌ای غیرمستقیم عقیده مهدی آخر الزمان بودن ایشان را به درانی نسبت داد؛ چرا که قبول غیبت حضرت، مستلزم ادامه حیات و ظهورشان پس از این غیبت نیز هست.

#### ۱۰. سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (۱۲۹۴ق)

دیگر سنی دوازده‌امامی که اعتقاد به مهدویت امام دوازدهم شیعیان دارد، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی نقشبندی است. قرینه مهمی که موجب شده او در زمره این افراد قرار بگیرد، نگارش کتاب *ینابیع الموده لنوی القربی* درباره فضایل اهل بیت علیهم‌السلام، به ویژه امام علی علیه‌السلام از سوی اوست. عالم حنفی قرن سیزدهم چندین باب از کتابش را به حضرت مهدی علیه‌السلام اختصاص داده و در آن‌ها به بیان چگونگی ولادت، امامت، خوارق عادت، کرامات و اثبات موعود بودن حضرت و نیز معرفی کسانی مانند علی بن مهزیار اهوازی، ابی عبدالله بن صالح و اسماعیل هرقلی که موفق به دیدار ایشان در زمان غیبت کبری در مناطقی چون مکه و عراق شده‌اند، می‌پردازد (قندوزی حنفی، ۱۴۲۲: ج ۳، ۳۰۱-۳۳۶). در این اثر از دو جهت می‌توان پی به پذیرش مهدی موعود بودن امام دوازدهم شیعیان از جانب قندوزی برد. وی از سویی

روایاتی در باب تعیین مصداق مهدی نقل می‌کند و از سویی دیگر باب‌های مستقلی در اثرش را به معرفی موعود آخرالزمان اختصاص می‌دهد. برای نمونه، او حدیثی که جوینی و موفق بن احمد خوارزمی نیز آن را نقل کرده‌اند، از سلیم بن قیس از سلمان فارسی روایت می‌نماید که امامان در آن حجت خوانده شده و مهدی موعود در آن مشخص گردیده است:

دخلت علی النبی ﷺ فاذا الحسین علی فخذیه، و هو یقبَل خدیة و یلم فاه، و یقول: أنت سید ابن سید أوسعید، وأنت إمام ابن إمام أخوا إمام، وأنت حجة ابن حجة أخوا حجة، أبو حجج تسعة تسعة قائمهم.<sup>۱</sup> (همو: ۲۹۱)

در این روایت نهمین حجت از نسل امام حسین علیه السلام به عنوان قائم و قیام‌کننده اهل بیت علیهم السلام، یعنی همان مهدی آخرالزمان معرفی شده است. این نمونه، برگرفته از روایاتی است که در تعیین مصداق مهدی به واسطه قندوزی حنفی نقل گردیده، اما او باب هشتم و ششم از کتاب یادشده را نیز به اثبات این امر اختصاص داده که مهدی موعود، حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام است (همو: ۳۴۷). وی از کسانی چون ابن طلحه شافعی، حموی جوینی، صلاح الدین الصفدی، محمد بن یوسف گنجی شافعی و ... سخنانی نقل می‌نماید که مضمون تمام آن‌ها آن است که مهدی آخرالزمان دوازدهمین امام شیعیان است (همو: ۳۴۷-۳۴۸). به عنوان مثال، گزارش او از کلام صفدی چنین است:

إن المهدی الموعود هو الامام الثانی عشر من الأئمة، أولهم سیدنا علی و آخرهم المهدی.  
(همو: ۳۴۷)

بدین ترتیب، نام این عارف نقشبندی را نیز باید به کسانی که مهدی موعود را حضرت حجت علیه السلام می‌دانند، افزود.

### ۱۱. محمد طاهر القادری

محمد طاهر القادری، اندیشمند بریلوی اهل سنت و پاکستانی معاصر که از مهم‌ترین سنیان دوازده‌امامی دوران کنونی به شمار می‌رود، در اثر مستقل خود *القول المعترفی امام المنتظر* در باب حضرت مهدی علیه السلام، امام علی علیه السلام را فاتح (آغازگر) و امام مهدی علیه السلام را خاتم (پایان بخش) ولایت

۱. این روایت را ابوالمؤید موفق بن احمد خوارزمی حنفی (۵۶۸ق) نقل کرده است. او حدیث دیگری هم در این باره نقل نموده که حاوی اسامی دوازده امام علیهم السلام بوده و این امر نشان می‌دهد که از قرن ششم، این گونه روایات که نام امامان دوازده‌گانه علیهم السلام در آن آمده، در میان حنفیان نقل می‌شده است. (نک: قندوزی حنفی، ۱۴۲۲: ج ۳، ۲۹۱-۲۹۲)

معرفی می‌کند. او در ادامه حضرت را خلیفه‌ی علی الإطلاق خداوند و آخرین خلفا می‌داند (قادری، ۲۰۰۷: ۳۵). قادری مهدی موعود را از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام و امام برحق دانسته (همو: ۱۹)، معتقد است، در زمان ظهور وی تمام اولیاء و ابدال با وی بیعت خواهند کرد (همو: ۳۰). از روند چینش و محتوای روایاتی که وی در کتاب مزبور نقل کرده، اعتقاد او مبنی بر غیبت امام مهدی علیه السلام برداشت نمی‌شود. با این که قادری از این امر سخنی به میان نیاورده است، اما یاد نمودن از موعود با نام «امام محمد مهدی علیه السلام» نشان می‌دهد که مقصود او از موعود، همان امام دوازدهم، فرزند امام عسکری علیه السلام است (همو: ۱۷).

### گروه دوم

#### ۱. علاء الدوله سمنانی شافعی (۷۳۶ق)

نخستین فرد از گروه دوم، رکن‌الدین احمد بن محمد بیابانکی، معروف به علاء‌الدوله سمنانی از عارفان بزرگ اسلامی در سده هشتم هجری است. وی معتقد است لزومی ندارد وجود امام همیشگی باشد، اما اگر امامی بیاید، باید از فرزندان امام حسین علیه السلام باشد (سمنانی، ۱۳۶۶: ۲۲۳). پیر بیابانکی به مناسبتی درباره کتاب جفر و جامع امیرالمؤمنین علی علیه السلام سخن گفته و آن را به همراه چند چیز از انبیا و دایعه و پنهان می‌داند و بر این باور است که هر زمان مهدی ظهور نماید، به او خواهد رسید (همو). سمنانی در این جا مصداق مهدی را تعیین نمی‌کند، اما در نگاهی کلی، وی را فردی از نسل حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسین علیه السلام دانسته، معتقد است که او در آخر الزمان ظهور خواهد کرد (همو، ۱۳۶۲: ۲۸۸).

عارف بزرگ کبرویه در قرن هشتم امام دوازدهم شیعیان علیه السلام را از امامان اهل بیت علیهم السلام، فردی بسیار وارسته و کامل‌ترین وارث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از نظر نطفه صلبی، قلبی و حقی معرفی می‌کند:

[هر] ده از ائمه اهل بیت [علیهم السلام] را یعنی حسن و حسین و زین العابدین و باقر و صادق و کاظم و رضا و نقی و تقی و عسکری زکی علیه السلام از این هر سه نطفه نصیبی وافر بود، و امیرالمؤمنین علی را - علیه السلام - از نطفه قلبی و حقی بهره تمام بود و مهدی را - علیه السلام - سلام الله و سلام جده خاتم النبیین - از هر سه نطفه نصیبی اکمل و حظی أوفر من حیث الاعتدال لا غالباً و لا مغلوباً خواهد بود. (همو، ۱۳۶۹: ۳۲۰)

با وجود این، گویا در اندیشه علاء الدوله، مهدی موعود شخصی غیر از حجت بن الحسن علیه السلام است؛ زیرا او چنین می‌پندارد که محمد بن حسن عسکری علیه السلام به دنیا آمده، از

چشم مردم پنهان شده و پس از چندی چنان عمر یافته که به مرتبه قطبیت رسیده و نوزده سال در این مقام بوده است؛ سپس در مدینه از دنیا رفته و همان جا دفن گردیده است. همچنین در آن جا متذکر می‌شود که روافض بر این باورند که حضرت به صورت پنهانی به حیات خود ادامه می‌دهد (همو، ۱۳۷۱: ۷۷ و ۲۱۷؛ همو، ۱۳۶۲: ۵۳۲). البته مستند این سخن سمنانی که حضرت در مدینه وفات یافته، مشخص نیست، اما ظاهر آن است که وی امام دوازدهم شیعیان علیه السلام را مهدی و موعود آخر الزمان به شمار نیاورده و او را شخص دیگری از نسل اهل بیت علیهم السلام می‌داند که به یقین قبل از برپایی قیامت ظهور خواهد کرد.

## ۲. حمدالله مستوفی قزوینی شافعی (۷۵۰ق)

حمد الله بن ابی بکر مستوفی قزوینی، از مورخان، عالمان و شاعران شافعی مذهب قرن هشتم یکی از سنیان دوازده‌امامی مهم در این سده به شمار می‌رود. وی که تردیدی در سنی بودنش نیست، در ابتدای فصل سوم از باب سوم کتاب مشهور تاریخی اش یعنی تاریخ گزیده امامان دوازده‌گانه علیهم السلام را «معصوم» و «حجت خداوند بر مردم» خوانده، خلافت را تنها حق ایشان شمرده و در واقع دیگران را غاصب خلافتشان معرفی می‌کند. او در آغازین جملات خود در این باب می‌نگارد:

فصل سیوم از باب سیوم در ذکر تمامی ائمه معصومین - رضوان الله علیهم اجمعین - که حجة الحق علی الخلق بودند، مدت اقامتشان از رابع صفر سنه تسع و اربعین تا رمضان سنه اربع و ستین و مأتین دویست و پانزده سال و هفت ماه. ائمه معصوم اگر چه خلافت نکردند، اما چون مستحق، ایشان بودند، تبرک را از احوال ایشان، شمه‌ای بر سبیل ایجاز ایراد می‌رود. (مستوفی، ۱۳۸۷: ۲۰۱)

از دیدگاه مستوفی، حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام «امام دوازدهم» و «پایان بخش معصومین» علیهم السلام است، اما لزوماً ایشان را موعود آخر الزمان به حساب نمی‌آورد. وی در مورد مصداق تعیینی مهدی موعود چهار قول را از شیعیان امامیه، اسماعیلیان، اهل سنت و گروهی دیگر نقل می‌کند، اما جانب هیچ‌یک از آن‌ها را ننگرفته و تنها خداوند را عالم به این امر می‌داند (مستوفی، ۱۳۸۷: ۲۰۶-۲۰۷؛ همو، ۱۳۸۴: ج ۳، ۲۱۷). بنابراین، حمدالله مستوفی را نیز باید در شمار کسانی قرار داد که در ظاهر تطابق یقینی میان امام دوازدهم اهل بیت علیهم السلام با مهدی موعود قائل نیست.

## ۳. جمال الدین محمد بن یوسف زرنندی حنفی (۷۵۰ق)

جمال الدین محمد بن یوسف زرنندی حنفی، از عالمان و فقیهان قرن هشتم در مدینه هم از

کسانی است که حضرت را موعود آخر الزمان نمی‌داند. وی اثری مستقل در شرح حال امامان دوازده گانه علیهم السلام به نام *معارج الوصول إلى معرفة فضل آل الرسول والبتول* دارد. این عالم حنفی در کتاب یادشده، امام دوازدهم علیه السلام را «الامام الثانی عشر» و «صاحب کرامات مشهوره» خوانده و دارای علم، تقوا و وارث امامان پیشین در محاسن مختلف می‌داند (زرندی، ۱۴۲۵: ۱۸۳). زرندی بدون ذکر هیچ یک از منابع معتبر تاریخی درباره حضرت حجت بن الحسن علیه السلام اعتقاد دارد که غیبت ایشان در سال ۲۹۶ ق و در سن ۳۶ سالگی بوده است (همو: ۱۸۵). وی در ادامه قول کسانی را که اساساً منکر وجود فرزند امام حسن عسکری علیه السلام هستند تقویت کرده و گزارش‌های مبنی بر امامت ایشان را دارای تناقض و اضطراب می‌داند (همو: ۱۸۶). او دیدگاه شیعه درباره ویژگی‌های امامان مانند داشتن معجزه و خرق عادت امام و نیز ادعای امامت از سوی امام را مطرح نموده و معتقد است هیچ معجزه و خرق عادت از ایشان سر نزده و کسی او را ندیده است، پس چنین فردی چگونه می‌تواند امام آخر الزمان باشد؟ (همو: ۱۸۵). این اندیشمند سنی قرن هشتم در ادامه قول شیعه امامیه را به عنوان قول خلاف آورده است، اما در نهایت نظر جمهور مسلمین را چنین بیان می‌دارد که مهدی در آخر الزمان ظهور خواهد کرد، او فاطمی نسب بوده و کسی غیر از محمد بن الحسن علیه السلام است؛ چرا که بنابر روایات باید نام موعود و پدرش هم نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده و در مدینه به دنیا آمده باشد،<sup>۱</sup> که درباره امام دوازدهم شیعیان علیهم السلام چنین نیست (همو: ۱۸۹).

درباره نکات ذکر شده از سوی زرندی باید گفت که در هیچ یک از منابع شیعی، غیبت امام زمان علیه السلام به سال ۲۹۶ ق ذکر نشده و نگارنده با اطلاع ناقص خود قائل دیگری برای آن نمی‌شناسد. در باب مطلب دوم نیز باید دانست که نه تنها بنا بر منابع شیعه ایشان امامت خویش را با نمازگزاردن بر بدن پدر بزرگوارش و نیز خبر دادن از محتویات کیسه خادم امام حسن عسکری علیه السلام ابراز داشته (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۷۵-۴۷۶)، بلکه جدای از منابع روایی و اعتقادی شیعیان، عده‌ای از سنیان دوازده امامی دیگر مانند جامی (۱۳۷۹: ۴۰۵-۴۰۶)، خنجی (۱۳۷۵: ۲۹۰-۲۹۴) و خواندمیر (۱۳۸۰: ج ۲، ۱۰۲-۱۰۷) برای ایشان کرامات، خرق عادت و معجزاتی را هرچند از منابع شیعی نقل نموده‌اند.

بدین ترتیب، زرندی حنفی را باید از افرادی به شمار آورد که میان شخصیت حضرت

۱. گویا این روایات که در کتاب‌های امثال نعیم بن حماد آمده، از مجهولات زیدیه، به خصوص حسن بن عبدالله، پدر محمد نفس زکیه است که مورد انکار امام صادق علیه السلام قرار گرفته است.

حجت علیه السلام و مهدی موعود در آخرالزمان تفکیک قائل می‌شوند.

#### ۴. خواجه محمد پارسا حنفی نقشبندی (۸۲۲ق)

خواجه محمد بن محمد حافظی بخاری حنفی نقشبندی، ملقب به «پارسا»، از بزرگ‌ترین عالمان نقشبندیه پس از خواجه بهاء‌الدین نقشبند بخارایی است. وی از کسانی است که سنی بودنش ثابت بوده، اما در کنار آن امامان دوازده‌گانه شیعه علیهم السلام را به عنوان امام پذیرفته است. مهم‌ترین کتاب او در این باره *فصل الخطاب لوصول الأحباب* در باب مسائل تصوف، معجزات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، کرامات اولیاء و... است که بخش مربوط به خلفا و اهل بیت علیهم السلام، ما را در نمایاندن او به عنوان یک سنی دوازده‌امامی یاری می‌رساند.

خواجه پارسا در اثر یادشده در پایان سخن از امامان اهل بیت علیهم السلام، روایاتی را درباره آخر الزمان و ظهور موعود نقل کرده و در ضمن آن به احادیث شیعه نیز اشاره نموده است. نکته قابل تأمل آن که وی در این بخش به این که ایشان همان مهدی موعود است، اذعان نکرده و حضرت را بنا بر قول شیعه، مهدی و آخرین امام از امامان دوازده‌گانه علیهم السلام دانسته، و در جایی دیگر روایاتی چون «الأئمة بعدی إثناعشر، أولهم أنت یا علی و آخرهم المهدي الذی یفتح الله - سبحانه - علی یدیہ مشارق الأرض و مغاربها» را از حضرت رسول صلی الله علیه و آله به واسطه شیخ صدوق علیه السلام نقل می‌کند (پارسا، ۱۳۸۱: ۶۲۰). البته او در بخش‌های دیگر و در بیان احوال اقطاب، باز هم از مهدی و علائم آخرالزمان سخن گفته (پارسا، ۱۳۸۱: ۶۰۲-۶۰۸) و با استناد به کلام علاء الدوله سمنانی، امامان دوازده‌گانه را به عنوان قطب صوفیه پذیرفته و به سان کسانی چون علاء الدوله سمنانی و خواندمیر، بر این باور است که حضرت مهدی علیه السلام پس از غیبت، در جرگه ابدال وارد شده است (همو: ۶۰۱).

با این توصیف، مطلبی که بخواهد به صراحت ثابت کند خواجه محمد پارسا حضرت مهدی علیه السلام را به عنوان موعود آخر الزمان پذیرفته است، در اثر یادشده یافت نمی‌شود.

#### ۵. نور الدین عبدالرحمن جامی حنفی نقشبندی (۸۹۸ق)

عبدالرحمن جامی، عالم، شاعر و عارف پراوازه نقشبندی حنفی مذهب در قرن نهم به‌رغم تعصبش نسبت به شیعیان و جداکردن حساب آن‌ها از دوازده امام اهل بیت علیهم السلام (جامی، ۱۳۶۸: ۴۹؛ نظامی باخرزی، ۱۳۸۳: ۱۵۵-۱۵۷)، معصومین علیهم السلام را به عنوان امام پذیرفته و بدین جهت، از سنیان دوازده‌امامی محسوب می‌گردد. بارزترین شواهد این امر را می‌توان در کتاب *شواهد النبوة* که اختصاص به شواهد تأییدکننده نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دارد، نظاره کرد.



جامی در اثر یادشده با «امام» خواندن هر یک امامان اهل بیت علیهم السلام، این رویه را تا امام عصر علیه السلام ادامه داده، کرامات و خوارق عادات ایشان را بسیار دانسته و از همه آنان به نیکی یاد می کند. او در ذکر امام مهدی علیه السلام می نویسد:

ذکر محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی الرضارضی الله عنهم. وی امام دوازدهم است. و کنیت وی ابوالقاسم است و لقبه الإمامیه بالحجة والقائم والمهدی و المنتظرو صاحب الزمان و هو عندهم خاتم الإثنی عشر اماماً و أنهم یزعمون أنه دخل السرداب الذی سرّمن رأی و أمه تنظر الیه فلم یخرج الیها... فاختنی إلى الآن علی زعمهم. (جامی، ۴۰۴:۱۳۷۹)

او در ادامه جریان ولادت معجزه گونه حضرت را از جناب حکیمه خاتون، عمه پدریشان نقل می نماید که تا هنگام ولادت، اثری از حمل در جناب نرجس علیها السلام نبود (همو: ۴۰۵-۴۰۶). پس از آن به چند حدیث از اهل سنت درباره مهدی بسنده کرده و نظر این عربی و علاء الدوله سمنانی را در این باره می آورد (همو: ۴۱۰-۴۱۱).

حاصل آن که این عالم حنفی سخنی در اثبات یا رد مهدی آخر الزمان بودن امام دوازدهم علیه السلام به میان نیاورده است و از این جهت، باید او را نیز در گروه دوم جای داد.

#### ۶. کمال الدین میرحسین میبیدی یزدی شافعی (۹۱۱ق)

کمال الدین میرحسین میبیدی یزدی، متخلص به «منطقی» از سنیان دوازده امامی به شمار می رود که در گروه دوم جای می گیرد. وی در فاتحه سبعة از کتابش شرح دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، ابتدا روایات فراوانی در فضایل و احوال حضرت امیر علیه السلام از منابع اهل سنت نقل نموده، سپس شرح حال مختصری از دوازده امام علیهم السلام می آورد (میبیدی یزدی، ۱۳۷۹: ۱۸۸-۲۰۲). قاضی کمال الدین میبیدی قسمتی جداگانه را نیز به امام مهدی علیه السلام اختصاص داده است. او به سان بسیاری از اهل سنت بر این باور است که مهدی موعود امام عادل از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام بوده، هرگاه خداوند بخواهد او را می آفریند، اما هنوز به دنیا نیامده است (همو: ۶۵۲).

بنابراین، میبیدی یزدی امام دوازدهم شیعیان علیهم السلام را موعود آخر الزمان نمی داند؛ چرا که اندیشه او با باور امام دانستن فرزند امام حسن عسکری علیه السلام که در قرن سوم هجری به دنیا آمده است، سازگاری ندارد.

### ۷. غیاث‌الدین هروی شیرازی (خواندمیر) (۹۴۲ق)

غیاث‌الدین بن همام‌الدین هروی شیرازی، معروف به «خواندمیر»، از مورخان بزرگ قرن دهم و از کسانی به شمار می‌آید که زندگانی دوازده‌امام علیهم‌السلام را در ضمن آثار خود نگاشته و همه ایشان را با عنوان امام خطاب کرده‌اند. وی بر خلاف کتاب نخست خود *مآثر الملوک* که در آن از امامان دوازده‌گانه علیهم‌السلام یاد کرده، در *تاریخ حبیب‌السیر* تفصیل بیشتری در این باره قائل شده و به بیان شرح احوال دوازده امام، از امام علی تا امام مهدی علیه‌السلام با جزئیات بیشتر پرداخته است. خواندمیر در بخش مذکور، نخست، دوازده جانشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با استفاده از قرآن کریم و روایات موجود در جوامع روایی سنی و شیعه بر دوازده امام اهل بیت علیهم‌السلام منطبق کرده (خواندمیر، ۱۳۸۰: ج ۲، ۷-۸)، سپس حضرات معصومین علیهم‌السلام را «امام» و «معصوم» خوانده، گوشه‌ای از زندگانی، برخی از سخنان و مناقب، و در آخر ذکر تعداد فرزندان ایشان و همچنین اشعاری در وصف آن‌ها را مطرح نموده است (همو: ۵-۱۱۳؛ همو، ۱۳۷۲: ۷۷). در این بین، برخی مقاطع به سان نقل جریان کربلا (خواندمیر، ۱۳۸۰: ج ۲: ۳۵-۶۱) و بخش مربوط به امام عصر علیه‌السلام (همو، ۱۳۸۰: ج ۲، ۱۰۰-۱۱۳) اندکی با تفصیل بیشتری همراه گشته که نشان از اهمیت این دو امر در نگاه اوست.

دیدگاه غیاث‌الدین خواندمیر درباره مهدی موعود، همان دیدگاه عامه اهل سنت است که وی را فاطمی دانسته، ولی فرزند خلف امام حسن عسکری علیه‌السلام، یعنی حضرت حجت علیه‌السلام نمی‌داند. او معتقد است اگرچه ایشان همان مهدی موعود نیست، اما اهل سنت و جماعت به والایی مقام و بزرگی شأن و از بزرگان اولیاء و برگزیدگان و مقتدا بودنش اذعان دارند. او در این باره می‌نویسد:

ابو القاسم محمد بن حسن العسکری علیه‌السلام. امام دوازدهم است از ائمه اثنی عشر، و حق سبحانه و تعالی آن قدوه اصفیا را در صغر سن، حکمت کرامت فرمود، چنان‌که یحیی علیه‌السلام را در حالت طفولیت امام گردانید و چنان‌که عیسی علیه‌السلام را در اوان کودکی به شرف نبوت مشرف ساخت. و آن امام عالی مقام ختنه کرده و ناف بریده متولد شد و در ذراع ایمن او مکتوب بود که: «جاء الحق و زهق الباطل إن الباطل كان زهوقاً». به اعتقاد مجتهدان مذهب امامیه، مهدی که در احادیث و اخبار وارد شده عبارت از آن دُرُج امامت است ... اما اعتقاد اهل سنت و جماعت آن است که مهدی آخر الزمان، دیگری خواهد بود از اولاد امجاد فاطمه زهرا علیها‌السلام و هرگاه اراده ازلی به ظهور او تعلق گیرد تولد خواهد نمود و هر دو فریق در آن که مهدی از سادات بنی فاطمه خواهد بود اتفاق دارند و اختلاف در آن است که صاحب الزمان محمد بن حسن عسکری است یا دیگری؟ (همو، ۱۳۷۲: ۷۷-۷۸)

همچنین وی مطلبی از *شواهد النبوة* از علاء الدوله سمنانی مبنی بر این که ایشان پس از پنهان شدن از زمرة اقطاب خارج و به دایرة ابدال وارد شد، نقل می‌نماید (همو، ۱۳۸۰: ج ۲، ۱۰۱). جالب آن که وی احادیث متعددی را درباره مهدی موعود بودن امام دوازدهم شیعیان علیه السلام از منابع شیعی نقل کرده و این امر را میان اثنی عشریان امری ثابت شده دانسته و حتی کراماتی مانند جریان ولادت حضرت و سخن گفتنشان در کودکی و شفا گرفتن اسماعیل هرقلی حلّی و ... نیز از ایشان نقل کرده است (همو: ج ۲، ۱۰۲-۱۰۷).

این مورخ مشهور سنی با این که احترام ویژه‌ای برای امام دوازدهم اهل بیت علیهم السلام قائل است، اما ایشان را به عنوان موعود آخرالزمان نپذیرفته و به سان بیشتر سنیان به مهدی نوعی باور دارد.

#### ۸. حافظ حسین کربلایی تبریزی حنفی (۹۹۷ق)

حافظ حسین کربلایی تبریزی بابا فرجی حنفی، از عالمان، صوفیان و شاعران نامی تبریز در قرن دهم، از افراد برجسته سنیان دوازده‌امامی در این قرن محسوب می‌گردد. وی در مهم‌ترین اثرش یعنی *روضات الجنان و جنات الجنان* شرح حال دوازده امام علیهم السلام را آورده و تمام آنان را با ترتیب اول تا دوازدهم «امام» و «معصوم» خوانده و مناقب، کرامات و زیارت‌نامه‌هایی مانند شیعیان برای ایشان نقل کرده است (کربلایی تبریزی، ۱۳۸۳: ج ۲، ۳۷۲-۴۴۸).

این عالم سنی مذهب تبریز درباره حضرت حجت بن الحسن علیه السلام بیشتر به نقل گفتار جامی در مورد ایشان پرداخته، در آخر در دفاع از طولانی شدن عمر حضرت، نمونه‌هایی چون نوح، لقمان و خضر علیهم السلام را مثال زده، اعتقاد اهل سنت را آن دانسته است که وی امام عادل از فرزندان فاطمه علیها السلام است که خداوند در زمان مورد نظر خود برای یاری دینش او را خلق خواهد نمود (همو: ۳۹۲). همچنین وی غیبت حضرت در سرداب سامرا را باور داشته و در انتها به سان دیگر امامان، زیارت‌نامه‌ای با مضامین شیعی برای زیارت امام غایب نقل می‌کند (همو: ۲۹۳). بدین ترتیب، ما با سخنی دوسویه از جانب کربلایی مواجه هستیم. وی از طرفی از طولانی بودن عمر شریف حضرت و امکان آن به سان شیعیان دفاع کرده و به غیبت باور دارد، اما از طرف دیگر معتقد است خداوند، مهدی را که امامی عادل و از بنی فاطمه علیها السلام است، در زمان مورد نظرش خلق خواهد نمود. سخن کربلایی تبریزی در باب پذیرش غیبت، با کلامش درباره باور اهل سنت درباره مهدی موعود هم‌خوانی نداشته و دارای ابهام است. از این رو، نمی‌توان او را خود را سنی شمرده و اعتقاد سنیان را نیز به گونه یادشده بیان نموده، در میان گروه

نخست جای داد.

#### ۹. جمال الدین عبدالله شبرای شافعی (۱۱۷۱ق)

جمال الدین ابومحمد عبدالله بن محمد بن عامر شبرای شافعی، از عالمان بزرگ مصر و شیخ الازهر در قرن دوازدهم، از سنیان دوازده امامی شافعی مذهب برخلاف کربلایی معتقد به طول عمر مهدی نیست، اما در خلق او در آخر الزمان با وی هم نظر است (شبرای، ۱۴۲۳: ۳۷۸). وی در مورد امام مهدی علیه السلام بر این باور است که ایشان بر خلاف تفکر شیعی که حضرت را مهدی منتظر می‌دانند، با این که دارای چنین لقبی است، اما آن مهدی منتظری که روایات از او سخن گفته و در آخر الزمان ظهور خواهد کرد، شخص مورد نظر شیعیان نیست. این درست است که مهدی موعود از همین خاندان و از نسل امام حسن عسکری علیه السلام است (همو: ۳۶۶)، اما صحیح آن است که او در آخر الزمان به دنیا خواهد آمد و روند رشد او به سان دیگران عادی بوده و از کسانی که عمر طولانی داشته‌اند، نیست (همو: ۳۷۴-۳۷۸).

با این توصیف، شبرای میان امام دوازدهم و مهدی موعود تفکیک قائل شده و در گروه دوم جای می‌گیرد. نکته‌ای که شبرای بدان اشاره نکرده، آن است که آیا وی فرزند دیگری برای امام حسن عسکری علیه السلام غیر از حضرت حجت علیه السلام می‌شناسد که موعود آخر الزمان را از نسل حضرت دانسته است؟ و اگر او را از نسل دوازدهمین امام اهل بیت علیهم السلام می‌داند، آیا خبری از ازدواج و فرزندان ایشان دارد یا خیر؟ شبرای شافعی برای این سؤالات پاسخی ارائه نکرده است.

#### ۱۰. مؤمن بن حسن شبلنجی شافعی (۱۳۲۲ق)

مؤمن بن حسن بن مؤمن شبلنجی شافعی، از عالمان متأخر مصر و جامعه الازهر در قرن چهاردهم هجری و از آخرین سنیان برجسته دوازده امامی است. وی هر چند از امام مهدی علیه السلام به نیکی یاد می‌کند (شبلنجی، بی‌تا: ۳۴۲)، اما ایشان را به عنوان موعود نمی‌پذیرد. باید دانست که دیدگاه او در باب مهدی موعود کمتر به اظهار نظر پرداخته و بیشتر به نقل روایاتی متفاوت بسنده کرده است (همو: ۳۴۲-۳۴۸). شبلنجی تنها در جمله‌ای خلیفه منتظر و قیام‌کننده آخر الزمان را بنا بر اخبار و علامات رسیده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در منابع روایی سنی، محمد بن عبدالله المهدی معرفی می‌کند که اهل مدینه بوده و در همان شهر متولد خواهد شد (همو: ۳۴۴-۳۴۵).

بنابراین، شبلنجی نیز در زمره افرادی به شمار می‌آید که مهدی موعود را حضرت حجت بن الحسن علیه السلام نمی‌دانند و به طور طبیعی در گروه دوم قرار می‌گیرد.

## نتیجه‌گیری

آن چه از تأمل در دیدگاه گروه نخست از سنیان دوازده امامی به دست می‌آید، آن است که ایشان هرچند به مهدی شخصی باور داشته و دوازدهمین امام اهل بیت علیهم‌السلام را همان مهدی موعود در سخنان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دانند، اما در این که حضرت زنده بوده و در غیبت به سر می‌برد، اتفاق نداشته و برخی از بُن متذکر این امر نشده‌اند. البته با توجه به پذیرش باور موعود بودن ایشان، می‌توان چنین استنباط کرد که آن افرادی که متذکر غیبت نشده‌اند نیز به زنده بودن حضرت باور دارند؛ زیرا پذیرش موعود بودن فردی که در گذشته به دنیا آمده جز به واسطهٔ دکتترین رجعت، با مرگ او سازگاری ندارد. نکته‌ای که شاید عنایت بدان ما را در این ابهام از سوی چنین افرادی یاری رساند، توجه به ماهیت سنی سنیان دوازده امامی است که آنان اگرچه با بسیاری از روایات شیعه در مورد حضرت مهدی علیه‌السلام همراه شده‌اند، ولی نباید انتظار داشت، تمام آن‌ها مانند احادیث رجعت را در اختیار داشته یا بپذیرند. در نتیجه، اعتقاد بیشتر آنان دربارهٔ موعود آخرالزمان دچار نقاطی مبهم به سان مسئلهٔ غیبت حضرت می‌گردد. سنیان دوازده امامی در گروه دوم نیز امام دوازدهم شیعیان را موعود آخرالزمان نمی‌دانند، اما ایشان را فردی بسیار وارسته از اهل بیت علیهم‌السلام و به عنوان امام معرفی می‌کنند. این دسته به سان بسیاری از اهل سنت به مهدی نوعی باور داشته و او را فردی از نسل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و فاطمی نسب معرفی می‌نمایند که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و منادی عدالت خواهد شد. هرچند برخی از افراد این گروه مانند شبرآوی، مهدی موعود را از نسل امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌دانند، اما باز هم باعث نشده تا این عنوان را بر فرزند خلف ایشان تطبیق نمایند. نکتهٔ قابل توجه دربارهٔ بعضی از سنیان دوازده امامی به سان ابن طلحه و خنجی، و به ویژه افراد گروه دوم مانند کربلایی تبریزی آن که آنان از امکان داشتن عمر طولانی حضرت دفاع کرده‌اند. همچنین کسانی چون جامی، خنجی، خواندمیر و قندوزی کراماتی مانند جریان دیدار حضرت با اسماعیل هرقلی، علی بن مهزیار اهوازی و ... را دربارهٔ حضرت حجت علیه‌السلام گزارش کرده‌اند که شاید بتوان این گونه رفتارها و نقل‌ها را متأثر از منابع شیعی دانست. اما مهم‌ترین نقطهٔ اشتراک تمام سنیان دوازده امامی جدای از بحث مهدی موعود، پذیرفتن حضرت حجت بن الحسن علیه‌السلام به عنوان دوازدهمین امام از امامان دوازده‌گانهٔ نوید داده شده از سوی رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.

## منابع

- ابن حبان، محمد (۱۴۱۴ق)، صحیح ابن حبان، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن حجر، احمد بن محمد (۱۴۲۸ق)، القول المختصر فی علامات المہدی المنتظر، تحقیق: رشاد الخطیب، دمشق: دار التقوی، چاپ اول.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (بی تا)، مسند احمد بن حنبل، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، قاہرہ: مؤسسہ قرطبہ.
- ابن صباغ، علی بن محمد بن احمد (۱۴۰۹ق)، الفصول المہمہ فی معرفۃ أحوال الأئمۃ علیہم السلام، بیروت: دارالأضواء، چاپ دوم.
- ابن طلحہ، کمال الدین محمد (۱۴۱۹ق)، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، بیروت: مؤسسة البلاغ، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۵ق)، الدر المنتظم فی السرا الأعظم، بحث اهل الكشف والعرفان فی علامات مہدی آخر الزمان، تحقیق: ماجد بن احمد العطیہ، بیروت، دارالہادی.
- ابن طولون، شمس الدین محمد بن علی (بی تا)، الشذرات الذهبیة فی تراجم الأئمۃ الإثنی عشر عند الإمامیة، تحقیق: صلاح الدین المنجد، قم: منشورات الرضی.
- پارسا، محمد بن محمد (۱۳۸۱ش)، فصل الخطاب لوصول الاحباب، تصحیح و تعلیق: جلیل مسگر نژاد، تہران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
- تفتازانی، سعد الدین (۱۴۰۹ق)، شرح المقاصد، تحقیق: عبدالرحمن عمیرہ، قم، الرضی، چاپ اول.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن بن احمد (۱۳۶۸ش)، ہفت اورنگ، تصحیح: مرتضی مدرس گیلانی، تہران، سعدی، چاپ پنجم.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن بن احمد (۱۳۷۹ش)، شواہد النبوة، بہ کوشش: سید حسن امین، تہران، میر کسری - قم، طیب، چاپ اول.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۵ش)، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دہم، قم: انصاریان، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ش)، مقالات تاریخی، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ اول.
- حموی جوینی، ابراہیم بن محمد (۱۳۹۸ق)، فرائد السمطین فی فضائل المرتضی والبتول و

- السبطين والأئمة عليهم السلام، تحقيق و تعليق: محمد باقر المحمودى، بيروت: مؤسسة المحمودى، چاپ اول.
- خنجى، فضل بن روزبهان (۱۳۷۵ش)، *وسيلة الخادم إلى المخدوم*، تصحيح: رسول جعفریان، قم انصاریان، چاپ اول.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۷۲ش)، *مآثر الملوك*، تحقیق: میرهاشم محدث، تهران، رسا، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰ش)، *تاریخ حبیب السیر*، زیر نظر: محمد دبیر سیاقی، مقدمه: جلال الدین همایی، تهران، خیام، چاپ چهارم.
- زرندى حنفى، جمال الدین محمد بن یوسف (بى تا)، *نظم درر السمطين فى فضائل المصطفى و المرتضى و البتول و السبطين*، تحقیق: محمد هادی امینی، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۵ق)، *معارج الوصول إلى معرفة فضل آل الرسول و البتول*، قم، مجمع احیاء الثقافة الإسلامیة، چاپ اول.
- سجستانی، ابوداود سلیمان بن اشعث (بى تا)، *سنن ابى داود*، بیروت، دار الکتب العربی.
- سمنانى، علاء الدوله (۱۳۶۲ش)، *العروة لأهل الخلوة و الجلوة*، تصحيح: نجیب مایل هروی، تهران، مولی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۶ش)، *چهل مجلس*، تصحيح و تعليق: نجیب مایل هروی، تهران، ادیب، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹ش)، *مصنفات فارسی*، به کوشش: نجیب مایل هروی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱ش)، *مناظر المحاضر للمناظر الحاضر*، به کوشش: حسن حیدرخانی مشتاقعلی، تصحيح: محمد بهشتی، تهران، مروی، چاپ اول.
- شبراوى، عبدالله بن محمد بن عامر (۱۴۲۳ق)، *الإنحاف بحب الأشراف*، قم، دار الکتب الإسلامی، چاپ اول.
- ۱۴۱ - شبلنجى، مؤمن بن حسن بن مؤمن (بى تا)، *نور الابصار فى مناقب آل البيت النبى المختار صلى الله عليه وسلم*، قم، رضی.
- شریف مرتضى (۱۴۱۱ق)، *الدخيرة فى علم الکلام*، تصحيح: سید احمد حسینی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، چاپ دوم.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۴ق)، *المعجم الكبير*، تحقیق: حمدی بن عبد المجید السلفی، موصل، مکتبه العلوم و الحكم، چاپ دوم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *العقائد الجعفرية* (در ضمن *جواهر الفقه*)، تصحیح: ابراهیم بهادری، قم، مکتبه النشر الإسلامی، چاپ اول.
- قادری، محمد طاهر (۲۰۰۷م)، *القول المعتبر فی امام المنتظر*، تحقیق: محمد علی قادری و محمد تاج الدین کالامی، لاهور، منهج القرآن، چاپ هفتم.
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، *ینابیع المودة لدوی القری*، تحقیق: سید علی جمال اشرف الحسینی، قم، اسوه، چاپ دوم.
- کاشفی، کمال الدین حسین بن علی واعظ (۱۳۸۲ش)، *روضه الشهداء*، تحقیق: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، نوید اسلام، چاپ سوم.
- کربلایی تبریزی، حافظ حسین (۱۳۸۳ش)، *روضات الجنان و جنات الجنان*، تصحیح و تعلیق: جعفر سلطان القزایی، به کوشش: محمد امین سلطان القزایی، تبریز، ستوده، چاپ اول.
- لاری، محیی الدین (۱۳۷۳ش)، *فتوح الحرمین (توصیف آثار تاریخی مکه و مدینه)*، به کوشش: رسول جعفریان، قم، انصاریان، چاپ اول.
- مبارکفوری، ابوالعلاء محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم (بی تا)، *تحفه الأحوذی بشرح جامع الترمذی*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- مستوفی، حمد الله (۱۳۸۴ش)، *ظفرنامه (قسم الإسلامیه)*، مقدمه و تصحیح و توضیح: منصوره شریف زاده، زیر نظر: مهدی مدائنی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ش)، *تاریخ گزیده*، به اهتمام: عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم.
- موصلی، شرف الدین عمر بن شجاع الدین (۱۴۲۴ق)، *مناقب آل محمد المسمی بالنعیم المقیم لعتره النبا العظیم*، بیروت، مؤسسة الأعلمی، چاپ اول.
- نظامی باخرزی، عبدالواسع (۱۳۸۳ش)، *مقامات جامی*، تصحیح و تعلیق: نجیب مایل هروی، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا)، *صحیح مسلم*، بیروت، دار الجیل - دار الآفاق الجدیة.